مقدمه

یادگیری یکی از مفهوم ها و فرآیندهای بنیادی قلمرو تعلیم و تربیت است، به گونه ای که می‌توان گفت هدف تعلیم و تربیت یادگیری است. بیشتر تفکرات در زمینه‌ی یادگیری از دیدگاه‌های روانشناسانه نشأت گرفته است که خود ریشه در دیدگاه‌های فیلسوفان یا داستان‌های فلسفی دارند. بر این اساس، هر یک از نظریات یادگیری نگاه معرفت‌شناسانه و هستی‌شناسانه‌ی متفاوتی نسبت به انسان دارند (پناهی, قائدی, ضرغامی و عبداللهی, 1396). تفاوت نوع نگاه هریک از این مکاتب به انسان، سبب تغییر در مدل طراحی بستری می‌شود که قرار است تعلیم و تربیت در آن رقم بخورد.

بستری که تعلیم و تربیت در آن رقم می‌خورد را محیط یادگیری می‌نامیم. این محیط دارای ابعاد فیزیکی، روان‌شناختی، فلسفی، جامعه‌شناختی، اقتصادی و غیره است و آنچه که در پژوهش‌ها کمتر مورد توجه واقع شده است، بعد فیزیکی(کالبدی) محیط یادگیری[[1]](#footnote-1) است. درحالی که در برخی منابع محیط فیزیکی مدرسه را به عنوان معلم دوم یا سوم در نظر گرفته اند (کامل‌نیا, 1386).

در قانون مربوط به آموزش و پرورش مورخ 11 ژوئیه سال 1975 فرانسه آمده است : "معماری آموزشی دارای نقشی تربیتی است و یکی از عناصر تعلیم و تربیت شمرده می‌شود".این مهم، ساختمان‌هایی را ایجاب می‌کند که در آنها معماری آموزشی بیش از پیش خود را با تعلیم و تربیت تطبیق دهد (میالاره و ویال, 1371). بنابراین افرادی باید در امر طراحی ساختمان‌های مدارس دخالت داده شوند که مفهوم یادگیری را به درستی بنشاسند. در سال‌های اخیر، نمونه‌های بسیاری دیده شده که طراحی مدرسه به دانش‌آموزان، معلمان، خانواده‌ها و همسایگی‌های مجاور مدرسه سپرده می‌شود و مدیران نقش رهبری این تیم را به عهده دارند (کامل‌نیا, 1386)

برخی از شواهد بر ضرورت طراحی محیط یادگیری به عنوان یکی از وظایف و کارکردهای مدیریت آموزشی در سطوح کلان مدیریتی، اجرایی و سیاستگذاری و در پی آن معلمان و طراحان آموزشی تاکید کرده‌اند (اسکندری، 1398).

محوریت مدیریت آموزشی، اثرگذاری مدبرانه بر فرآیند یاددهی یادگیری است. مفهومی که در منابع دانشگاهی و پژوهش‌ها کمتر به روی آن تاکید شده است. مدیریت آموزشی ماموریت دارد تا اثربخش‌ترین فرآیند یادگیری را برای بهره‌ورانه‌ترین دستاوردهای یادگیری فعال کند. با توجه به روند تغییرات در ویژگی‌های آموزش و یادگیری از قرن بیستم تاکنون، از مدیریت آموزشی انتظار می‌رود بتواند پاسخگوی انتظارات ویژه در هر دوران باشد(آهنچیان، 1398). لذا مدیران آموزشی در جایگاه تخصصی یادگیری، می‌توانند با بهره‌گیری از رویکردهای تربیتی جدید در طراحی محیط‌های یادگیری موثر در مدارس، نقش بسزایی در تحقق اهداف آموزش و پرورش ایفا کنند. این موضوع نیاز به مدیران ماهر را دوچندان کرده است، اما ادبیات نظری موجود کمتر به بررسی نقش مدیران مدرسه به عنوان رهبر در طراحی محیط کالبدی یادگیری پرداخته است. در این راستا، این پژوهش با استفاده از روش‌های اکتشافی در صدد شناسایی شایستگی‌های مدیر آموزشی به مثابه رهبر طراحی محیط کالبدی یادگیری است.

بیان مساله

یادگیری از آن دسته مفاهیمی است که نمی‌توان از تاثیر آن بر روی واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی جوامع چشم‌پوشی کرد. به عبارتی دیگر، بالارفتن کیفیت شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک جامعه در گرو بالارفتن کیفیت یادگیری اعضای آن جامعه است. در همین راستا، در سال 1972، یونسکو، طی گزارشی "یادگیری برای بودن" را نقطۀ عطفی در "آموزش مادام‌العمر" دانست و باروس(2012) استدلال کرد که در قرن بیست و یکم، مفهوم "یادگیری مادام‌العمر" باید جایگزین مفهوم "آموزش مادام العمر" شود (اختر, 2020).

یکی از روش‌های سنجش کیفیت یادگیری دانش‌آموزان، بررسی عملکرد آنها در آزمون‌های ملی و بین‌المللی است. نتایج نشان می‌دهد عملکرد دانش‌آموزان ما در این آزمون‌ها موفقیت‌آمیز نیست. بر اساس نتایج و یافته‌های پژوهش‌های بین‌المللی تیمز[[2]](#footnote-2) و پرلز[[3]](#footnote-3) ‌ در سال‌های 2019 و 2021 ، کیفیت نظام آموزشی ایران نسبت به میانگین بین‌المللی از شرایط مناسبی برخوردار نیست. به طوریکه در آزمون تیمز 2019[[4]](#footnote-4) ، در حالیکه نمره‌ی ایران پایین‌تر از نمره‌ی میانگین است، با نمره‌ی کل 443 در درس ریاضیات پایه‌ی چهارم میان 58 کشور شرکت کننده در جایگاه 50 و میان 12 همسایه در جایگاه 9 قرار گرفته است. همچنین در درس علوم با نمره‌ی 441 در جایگاه 48 قرار دارد. در پایه‌ی هشتم در درس ریاضیات از بین 39 کشور رتبه‌ی 29 و در درس علوم رتبه‌ی 32 را کسب کرده‌است. این آمارهای نگران‌کننده بیانگر آن است که کیفیت یادگیری دانش‌آموزان ما بسیار پایین است.

برای کسب موفقیت در سنجش کیفیت یادگیری، عوامل مختلفی باید مورد توجه قرار گیرند. از جمله می‌توان از آمادگی، انگیزه و هدف فراگیر، فعالیت دانش‌آموز، تجارب گذشته، تمرین و تکرار، روش تدریس معلم، تفاوت‌های فردی و موقعیت و محیط یادگیری نام برد (اشکانی؛ فرجی؛فلاح، 1395).

بر مبنای تعریف سازمان همکاری و توسعۀ اقتصادی (2021، OECD) ، محیط‌ یادگیری بافتی را فراهم می‌کند که یادگیری در آن صورت می گیرد. به عبارت دیگر، یادگیری نیازمند بستری مناسب است که آن را محیط یادگیری می‌نامیم. محیطی از پیش اندیشیده که یاددهنده آن را به قصد یاددهی و کنترل یادگیری می‌سازد (رحیمی، 1389). سوالی که در اینجا شایان توجه است این است که فضاهای یادگیری در کشور ما تا چه اندازه مناسب یادگیری هستند؟ چه کسانی در خلق محیط‌های یادگیری مشارکت دارند؟ و بعد فیزیکی محیط یادگیری تا چه حد مورد توجه مدیران و سیاستگذاران آموزش و پرورش ایران است؟

شواهد نشان می‌دهد که تقریبا تمام  مدارس ما به شیوه سلول‌ها و زنگ‌ها طراحی شده اند. دانش آموزان در این سلول ها که کلاس درس نامیده می شود حضور پیدا می‌کنند تا زنگ به صدا در آید، سپس آنها به سلول دیگری می‌روند. طراحی مدارس به این شیوه بیانگر این است که اندیشه‌ی حاکم بر طراحی مدارس در کشور ما، در مقایسه با عصر صنعتی و دورانی که رفتارگرایی نظریه‌ی غالب یادگیری بود، هنوز تغییر نکرده‌است، این در حالیست که نظریات یادگیری تغییرات بسیاری کرده‌ و نظریات جدیدتری در زمینه‌ی رشد و یادگیری انسان، در پارادایم‌های مختلف معرفت‌شناختی مطرح شده‌اند.

در خلق محیط یادگیری افراد مختلفی درگیر هستند که یکی از این افراد مدیر آموزشی است. کارکرد نوین و رسالت مدیرآموزشی تدبیر فرآیند یاددهی-یادگیری از طریق مداخله در فضای یادگیری و میدان‌های کوچک و بزرگ آموزشی است (آهنچیان, 1398). اما متاسفانه به نظر می‌آید که اکثر مدیران ما توانمندی‌ها و شایستگی‌های لازم برای انجام این وظیفه را ندارند. نه در اسناد ملی و نه در سیاستگذاری و قانونگذاری در آموزش و پرورش از این جنبه‌ی مهم به مدیریت آموزشی نگاه نشده است و خلا جدی در تمامی فرآیندها از آموزش تا جذب مدیران و تعیین حیطه‌ی اختیارات آنها دیده می‌شود. این مساله به نوبه‌ی خود، باعث کاسته شدن از کیفیت یاددهی-یادگیری دانش‌آموزان و به تبع آن وضعیت تاسف‌بار نظام آموزشی شده است.

در سال‌های اخیر مطالعاتی در کشور صورت گرفته است که محیط‌های فیزیکی مناسب را از منظر برخی نظریات یادگیری بررسی کرده‌اند اما به نظر می‌آید پژوهشی در زمینه‌ی ارتباط محیط فیزیکی یادگیری با نقش مدیر انجام نشده است. بر اساس یافته‌های پژوهشگر، تنها در سرفصل‌های درسی دانشجویان کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت آموزشی دانشگاه فرهنگیان، درسی به نام فضای یادگیری گنجانده شده است، اما به دلیل آنکه در مبانی نظری و سیاستگذاری‌ها، وظایف و مسئولیت‌های مدیران مدارس در طراحی فضای یادگیری نادیده گرفته می‌شود و قانونگذار نیز در این زمینه صحبتی نکرده‌است، این درس کاربردی برای دانشجویان این رشته ندارد.

این پژوهش ادعا می‌کند یکی از وظایف مدیران آموزشی طراحی فضای یادگیری است، لذا به دنبال کشف مولفه‌هایی است که شایستگی‌های مدیران را در طراحی مدارس منعکس می‌کند.

1. منظور از محیط کالبدی یادگیری، ابعاد فیزیکی محیط یادگیری و معادل واژه‌ی environment در زبان انگلیسی می‌باشد. در این پژوهش هرجا از عبارت محیط یادگیری، فضای یادگیری یا فضای آموزشی استفاده شد، منظور محیط کالبدی یادگیری است. [↑](#footnote-ref-1)
2. TIMSS (Trends in International Mathematics and Sience study) [↑](#footnote-ref-2)
3. PIRLS (Progress in International Reading Literacy Study) [↑](#footnote-ref-3)
4. https://timss2019.org/international-database [↑](#footnote-ref-4)